

The Share of Value added of Economic Sectors in the Growth of GDP in the Fifth Development Plan

Taher Sharifpoor¹
Safar Mohammadi²

Received: 25/09/2021

Accepted: 21/11/2021

Abstract

Sustainable economic growth and development is one of the main economic goals of countries. Achieving this basic goal requires comprehensive planning, the use of appropriate tools and the adoption of coordinated and adaptive policies in various economic sectors. The main purpose of this study is to investigate the impact of value added of various economic sectors on the growth of GDP during the Fifth Development Plan (2011-2016). The research model has been estimated using the panel data technique and a descriptive and analytical method has been used for the share of provinces in GDP. The results of applying econometric models using panel data show that the growth of sectors in the period has a positive and significant effect on GDP growth. As can be seen, the service sector has the largest share in GDP growth. Since most job opportunities in the service sector are based more on human capital and labor force than physical capital, the productivity in this sector increases at a very low rate compared to the other two sectors, and this will cause the cost price of services to increase higher than agriculture and industry, and this increases the share of that sector compared to other sectors of GDP. Therefore, it is necessary to pay special attention to this sector to increase employment.

Keywords

Value added; Economic Growth; Data Panel; Fifth Development Program; Share of Provinces.

-
1. M.A Islamic Economics, Payame Noor University of Sari, Mazandaran, Iran (Corresponding Author), ta.sharifpoor@gmail.com
 2. M.A Economics, Mazandaran University, Mazandaran, Iran, abfa.mazan@gmail.com

سهم ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی در رشد تولید ناخالص داخلی در برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران

طاهر شریف پور^۱، صفر محمدی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۳

چکیده

رشد و توسعه اقتصادی پایدار از اصلی‌ترین اهداف اقتصادی کشورها به‌شمار می‌آید، که تأمین آن مستلزم برنامه‌ریزی جامع، به‌کارگیری ابزارهای مناسب و اتخاذ سیاست‌های هماهنگ و سازگار در بخش‌های مختلف اقتصادی است. هدف اصلی این تحقیق، بررسی تأثیر ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی بر رشد تولید ناخالص داخلی جمهوری اسلامی ایران طی برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۵-۱۳۹۰) است. مدل تحقیق با استفاده از تکنیک داده‌های تابلویی تخمین زده شده است و برای سهم استان‌ها در تولید ناخالص داخلی از روش توصیفی و تحلیلی استفاده شده است. نتایج حاصل از به‌کارگیری الگوهای اقتصادسنجی با استفاده از داده‌های تابلویی نشان‌دهنده آن است که رشد بخش‌ها در دوره مورد نظر تأثیر مثبت و معناداری بر رشد تولید ناخالص داخلی داشته است. همچنین میزان تأثیر ارزش افزوده بخش خدمات بیشترین سهم را در رشد تولید ناخالص داخلی داشته است. اکثر فرصت‌های شغلی در بخش خدمات بیشتر بر پایه سرمایه انسانی و نیروی کار استوار هستند تا سرمایه فیزیکی، بهره‌وری در این بخش به نسبت دو بخش دیگر با سرعت بسیار پائینی افزایش پیدا می‌کند و این سبب خواهد شد تا بهای تمام‌شده خدمات نسبت به کشاورزی و صنعت بالاتر باشد و همچنین سهم آن بخش نسبت به سایر بخش‌ها از تولید ناخالص داخلی افزایش یابد. بنابراین لازم است برای افزایش اشتغال به این بخش توجه ویژه‌ای شود.

واژگان کلیدی:

ارزش افزوده؛ رشد اقتصادی؛ پانل دیتا؛ برنامه پنجم توسعه؛ سهم استان‌ها.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد اسلامی، دانشگاه پیام‌نور ساری، مازندران، ایران (نویسنده مسئول)

ta.sharifpoor@gmail.com

abfa.mazan@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران

مقدمه

تولید ناخالص استان‌ها در واقع تصویری از قدرت اقتصادی کشور است که می‌تواند شاخص‌های زیادی از جمله اشتغال، بیکاری، قدرت خرید خانوارها، درآمد سرانه، سهم در رشد اقتصادی، تمرکزگرایی، توزیع درآمد و ... را مورد بررسی قرار دهد. البته باید توجه داشت که بالا بودن آمار تولید یک استان نشان‌دهنده رونق اقتصادی و یا حتی رفاه اقتصادی افراد مقیم آن استان نبوده زیرا رونق اقتصادی در ابعاد استانی مطرح نبوده و این رونق در ابعاد کشوری مورد توجه می‌باشد و این‌که رفاه اقتصادی متغیری است که بیشتر از آن‌که به سطح تولیدات یک استان یا منطقه مربوط باشد، به نحوه توزیع درآمد بین طبقات آن و ویژگی‌های قومیتی مرتبط است. لذا بررسی حساب‌های اقتصادی هر استان نمایی از وضعیت اقتصادی آن استان به دست می‌دهد که می‌تواند راهنمای خوبی در خصوص تهیه و تنظیم برنامه‌های توسعه استانی مطرح گردد. درک عملکرد واقعی اقتصاد و شناخت اجزا و عوامل مؤثر بر آن، در گرو در اختیار داشتن مجموعه‌ای جامع از اطلاعات و آمارهای اقتصادی است که به صورت نظام‌مند در حساب‌های اقتصادی ارائه می‌گردد. در این پژوهش تلاش می‌شود که میزان تأثیر رشد بخش‌های مختلف اقتصادی بر رشد تولید ناخالص داخلی را طی برنامه پنجم توسعه، سهم استان‌ها در تولید ناخالص داخلی و سهم بخش‌های اقتصادی استان‌ها در ارزش افزوده هر بخش را مورد بررسی قرار دهیم.

۱. پیشینه پژوهش

محمدی خیاره و مظهری (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر متقابل رشد اقتصادی و توسعه بخش کشاورزی در ایران پرداخته‌اند و برای توضیح اثرات متقابل کوتاه‌مدت و بلندمدت توسعه بخش کشاورزی و رشد اقتصادی در دوره ۱۳۵۷-۱۳۹۳ از رویکرد خود توضیح برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL) استفاده نموده‌اند. نتایج آزمون علیت گرنجری چندمتغیره بر پایه تخمین‌های (ECM-ARDL)، بیانگر آن است که یک رابطه

علیت دو سویه بین رشد اقتصادی و ارزش افزوده بخش کشاورزی در کوتاه‌مدت و بلندمدت برقرار است. افزون بر این، معنی‌داری جمله تصحیح خطا بیانگر وجود رابطه بلندمدت بین رشد اقتصادی و ارزش افزوده بخش کشاورزی است. ضریب جمله تصحیح خطا نشان می‌دهد که تأثیر تغییرات در ارزش افزوده بخش کشاورزی بر رشد اقتصادی در مدت زمانی نه‌چندان طولانی قابل مشاهده است. در نتیجه بخش کشاورزی می‌تواند به‌عنوان یک موتور رشد اقتصادی در ایران مطرح باشد و لذا تقویت، توجه و توسعه بخش کشاورزی می‌تواند موجبات رشد و توسعه اقتصادی را فراهم آورد. افزون بر این، آزادی تجارت، افزایش سرمایه‌گذاری و اشتغال نیز بر رشد اقتصادی اثر مثبت دارند.

اسفندیاری، نجفی و موسوی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش بخش‌های اقتصادی در رشد اقتصاد ایران با تأکید بر بخش کشاورزی» اثرات متقابل بخش‌های کشاورزی، صنعت، خدمات و نفت در اقتصاد ایران در دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۵۲ مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج نشان داد که بخش صنعت، بر رشد تولید بخش کشاورزی تأثیر مثبت و بخش خدمات اثر منفی دارد. همچنین بخش نفت و گاز تأثیری بر رشد تولید بخش کشاورزی ندارد و بخش صنعت از همه بخش‌های اقتصادی سود می‌برد و از طرفی بین بخش‌های کشاورزی و صنعت و خدمات ارتباط وجود دارد.

فلکی، کامکار دلاکه (۱۳۹۴)، به بررسی تأثیر بخش کشاورزی و صنعت و تأثیر همزمان این دو بخش بر رشد اقتصادی در ایران طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۳۸ با استفاده از الگوی خودتوضیح‌برداری با وقفه‌های گسترده می‌پردازد. در الگوی مدنظر متغیر تولید ملی به‌عنوان متغیر وابسته و ارزش افزوده صنعت، ارزش افزوده کشاورزی، صادرات حقیقی، نیروی کار، نرخ تورم و سرمایه فیزیکی به‌عنوان متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرند. نتایج به‌دست آمده حاکی از تأثیر مثبت ارزش افزوده بخش صنعت و کشاورزی در بلندمدت و کوتاه‌مدت بر رشد اقتصادی در ایران است.

خرمی و پیرف (۱۳۹۲)، به بررسی نقش کشاورزی در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی مانند صنعت، خدمات، معدن و تجارت و تأثیر آن‌ها بر توسعه اقتصادی ایران پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیدند که بخش کشاورزی دارای نقشی شایان‌توجه در توسعه و رشد اقتصادی بوده است. در مقابل، کهنسال و ترابی (۱۳۹۲)، در پژوهش خویش به این نتیجه رسیدند که بخش کشاورزی در مقابل سایر بخش‌های اقتصادی مانند خدمات، معدن و صنعت و تجارت دارای نقش ناچیزی در رشد و توسعه اقتصادی ایران بوده است.

محنت‌فر، سلیمانی و بابایی (۱۳۹۱)، تأثیر ارزش‌افزوده بخش کشاورزی بر رشد اقتصادی استان‌ها را در برنامه چهارم توسعه با استفاده از داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار داده و نتیجه‌گیری می‌کنند که رشد بخش کشاورزی در استان‌های کشور تأثیری مثبت و معنی‌داری بر رشد تولید ناخالص داخلی داشته است. بنابراین دولت باید در راستای دستیابی به اهداف کلان اقتصادی به بخش کشاورزی توجه جدی داشته باشد. فلسفیان، قهرمان‌زاده و غلامی (۱۳۸۹)، رابطه علی بین رشد بخش کشاورزی و رشد اقتصادی در ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند. این تحقیق به بررسی رابطه علی بین رشد اقتصادی و رشد بخش کشاورزی در ایران می‌پردازد. بدین‌منظور از روش علیت گرانجر بهره گرفته شده و در این خصوص ایستایی متغیرهای مورد نظر از طریق آزمون دیکی - فولر تعمیم‌یافته مورد سنجش قرار گرفت. نتایج نشان داد که یک رابطه دوسویه بین رشد اقتصادی و رشد بخش کشاورزی کشور در یک دوراهی بلندمدت وجود دارد.

کورکی‌نژاد و نجفی (۱۳۸۷)، برای اندازه‌گیری اثرات غیرمستقیم بخش کشاورزی بر تولید ناخالص داخلی و اثر سایر بخش‌ها بر بخش کشاورزی در یک چارچوب ۱۳ معادله - شش اتحاد و هفت معادله تصادفی - شبیه‌سازی انجام شده است. داده‌های آماری لازم به‌صورت سری زمانی در دوره ۱۳۸۲ تا ۱۳۵۰ در نظر گرفته شده که

ضرایب رشد کلان در نتیجه شوک‌های برونزای درآمدی برای بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات به ترتیب برابر ۱,۶، ۲,۶ و ۰,۶ محاسبه شده است. طبق محاسبات انجام شده سهم خالص بخش کشاورزی در افزایش تولید ناخالص داخلی بخش صنعت ۷۶ و بخش خدمات ۶ درصد است.

آتیه^۱ (۲۰۱۹)، در مطالعه خود بر روی رابطه رشد سهم بخش‌های صنعت ساخت و خدمات بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه با استفاده از داده‌های سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۱۵ میلادی برای ۵۰ کشور، به این نتیجه دست یافته است که سهم بخش صنعت ساخت از تولید ناخالص داخلی، رابطه مثبتی با رشد اقتصادی به خصوص برای کشورهای فقیرتر داشته است که البته برای بخش خدمات چنین نتیجه‌ای حاصل نشد. وی همچنین به این نتیجه اشاره می‌کند که هر دو بخش صنعت ساخت و خدمات برای تسریع رشد اقتصادی اهمیت دارند، اما صنعت ساخت به نسبت خدمات، از درجه اهمیت بالاتری برخوردار است.

سیرمای و ورسپاگان^۲ (۲۰۱۵) رابطه سهم بخش‌های صنعت و خدمات از تولید ناخالص داخلی و رشد تولید ناخالص داخلی سرانه را با استفاده از روش پنل دیتا که متشکل از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است، طی سه دوره ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰، ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ و ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ مورد بررسی قرار دادند. نتایج مطالعات آن‌ها حاکی از آن است که، برای کشورهای با درآمد پایین و برخی از کشورهای با درآمد متوسط، صنعت موتور محرکه اقتصاد آن‌ها بوده که برای بخش خدمات چنین نتیجه‌ای یافت نشد. آن‌ها همچنین بیان کردند که برای این که بخش صنعت بتواند موتور رشد اقتصادی مؤثری در کشورهای در حال توسعه باشد، باید سطح مطلوبی از سرمایه انسانی را داشته باشند. سینگ^۳ (۲۰۱۵)، با بررسی بخش خدمات در اقتصاد هند بیان می‌کند که بخش مذکور نقش اساسی در رشد و توسعه اقتصاد هند داشته اما بدون توجه به پیوندهای

1. Attiah

2. Szirmai and Verspagan

3. Seing

این بخش، با بخش‌های کشاورزی و صنعت نمی‌توان در بلندمدت انتظار رشد این بخش و تأثیر قابل ملاحظه آن بر رشد اقتصادی را داشت.

توماس^۱ (۲۰۰۹)، در بررسی‌های خود بر روی اقتصاد هند که با هدف تشخیص موتور رشد اقتصادی صورت گرفت، این‌گونه نتیجه می‌گیرد که از دهه ۱۹۹۰ بخش خدمات ناجی رشد اقتصادی هند بوده است.

کاتوریا و راج^۲ (۲۰۰۹)، برخلاف نتایج حاصله از مطالعه توماس (۲۰۰۹)، موتور رشد اقتصاد هند را بخش صنعت می‌دانند و این‌گونه بیان می‌کنند که مناطقی که صنعتی‌تر بودند رشد بیشتری را تجربه کرده‌اند.

ترگنا^۳ (۲۰۰۷)، با بررسی نقش صنعت به‌خصوص صنعت ساخت در اقتصاد آفریقای جنوبی بیان می‌کند که هرچند بخش صنعت، موتور اصلی رشد و توسعه اقتصاد آفریقای جنوبی است، اما این امر به‌واسطه پیوند قوی این بخش با سایر بخش‌های اقتصادی به‌ویژه بخش خدمات رخ داده است و لذا خدمات نقش مهمی را هرچند غیرمستقیم در رشد اقتصادی آفریقای جنوبی ایفا می‌کند.

تیفین و ایرز^۴ (۲۰۰۶)، به‌منظور بررسی رابطه علیت بین ارزش‌افزوده بخش کشاورزی و رشد اقتصادی در گروهی از کشورها، از آزمون‌های علیت گرانجری دومتغیره استفاده کردند. آن‌ها دریافتند که شواهد قوی در حمایت از رابطه علیت از سمت کشاورزی به رشد اقتصادی در کشورهای درحال توسعه وجود دارد، اما نتایج برای کشورهای توسعه‌یافته از اعتبار کافی برخوردار نبوده است.

ویلبر^۵ (۲۰۰۲)، رابطه میان توسعه بخش خدمات و رشد اقتصادی را برای ۲۵ کشور عضو (OECD) به روش پنل دیتا طی دوره ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۴ مورد بررسی قرار داد. نتایج پژوهش وی حاکی از آن است که رشد بخش خدمات به‌صورت کلی تأثیر

1. Thomas

2. Katuria and Raj

3. Tergna

4. Tiffin and Irz

5. Wilber

معکوس بر رشد اقتصادی دارد. اما او با بررسی زیربخش‌های کلی خدمات بیان کرد که همه اجزای خدمات اثر کاهنده بر رشد اقتصادی نداشته و خدماتی نظیر خدمات تولیدکننده بر رشد اثری مثبت داشته اما خدمات مصرف‌کننده و خدمات دولتی تأثیر منفی دارند.

۲. روش پژوهش

با در نظر گرفتن ارتباط بین بخش‌های مهم اقتصادی این تحقیق کوششی برای اندازه‌گیری اثرات این بخش‌ها در تولید ناخالص داخلی است و مدل آن برای مقایسه سهم نسبی هر بخش در تولید ناخالص داخلی اقتصاد و تا حد امکان ساده انتخاب شده است. هدف اصلی اندازه‌گیری کمی ارائه ضرایب کلان رشد بخشی می‌باشد. بنابراین داده‌های تلفیقی که شامل داده‌های سری زمانی و مقطعی استان‌های کشور بود و در نظر گرفته شده است. داده‌های پانل حاوی مشاهدات از پدیده‌های چندگانه به دست آمده در طول چندین دوره زمانی برای عناصر مشابه هستند. پانل دیتا ترکیبی از رگرسیون و سری زمانی. مدل‌ها از لحاظ استفاده از اطلاعات آماری به سه گروه تقسیم می‌شوند. برخی از مدل‌ها با استفاده از «اطلاعات سری زمانی» یا به عبارتی طی دوره نسبتاً طولانی چند ساله برآورد می‌شوند. بعضی دیگر از مدل‌ها بر اساس «داده‌های مقطعی» برآورد می‌شوند یعنی متغیرها در یک دوره زمانی معین مثلاً یک هفته، یک ماه یا یک سال در واحدهای مختلف بررسی می‌شوند. روش سوم برآورد مدل، برآورد بر اساس «داده‌های پانل» است. در این روش یک سری واحدهای مقطعی (مثلاً شرکت‌ها) در طی چند سال مورد توجه قرار می‌گیرند. با کمک این روش که در مطالعات سال‌های اخیر نیز زیاد استفاده شده است، تعداد مشاهدات تا حد مطلوب افزایش می‌یابد. با توجه به این‌که مشاهده‌های ادغام شده باعث تغییرپذیری بالاتر، هم‌خطی چندگانه کمتر میان متغیرهای توضیحی، درجه آزادی بیشتر و کارایی بالاتر تخمین‌کننده‌ها می‌شود. در حالت کلی مدل زیر نشان‌دهنده یک مدل با داده‌های پانل است:

رابطه (۱):

$$Y_{it} = a_{it} + \sum_{k=1}^k \beta_{kit} X_{kit} + \varepsilon_{it}$$

که در آن $i=1, \dots, n$ نشانگر واحدهای مقطعی (مثلاً شرکت‌ها) و t نشانگر زمان است. برای برآورد مدل بر اساس داده‌های پانل روش‌های مختلفی همچون روش اثرات ثابت و روش اثرات تصادفی وجود دارد که بر حسب مورد، کاربرد خواهند داشت.

۲-۱. روش اثرات ثابت

در روش اثرات ثابت، فرض بر این است که ضرایب مربوط به متغیرها (شیب‌ها) ثابت هستند و اختلافات بین واحدها را می‌توان به صورت تفاوت عرض از مبدأ نشان داد. در این حالت اگر عرض از مبدأ تنها برای واحدهای مختلف مقطعی متفاوت باشد اصطلاحاً روش اثرات ثابت یک‌طرفه نامیده شده و مدل آن به صورت زیر است:

رابطه (۲):

$$Y_{it} = a + \mu_i + \sum_{k=1}^k \beta_k X_{kit} + \varepsilon_{it}$$

و اگر عرض از مبدأ هم مابین مقاطع و هم مابین دوره‌ها متفاوت باشد، روش اثرات ثابت دوطرفه نامیده می‌شود و مدل آن به صورت زیر خواهد بود:

رابطه (۳):

$$Y_{it} = a + \mu_i + \lambda_t + \sum_{k=1}^k \beta_k X_{kit} + \varepsilon_{it}$$

برای برآورد روش اثرات ثابت از مدل حداقل مربعات متغیر مجازی (LSDV) استفاده می‌شود. مدل اخیر یک مدل رگرسیونی کلاسیک بوده و هیچ شرط جدیدی برای تجزیه و تحلیل آن لازم نیست و از طریق روش حداقل مربعات معمولی قابل برآورد است.

۲-۲. روش اثرات تصادفی

مدل های اثرات ثابت تنها در صورتی منطقی خواهد بود که ما اطمینان داشته باشیم که اختلاف بین مقاطع را می توان به صورت انتقال تابع رگرسیون نشان داد، در حالی که ما همیشه از وجود این موضوع مطمئن نیستیم. برای رفع این مشکل روشی پیشنهاد شده که به مدل اجزاء خطا یا اثرات تصادفی معروف است. این روش فرض می کند که جزء ثابت مشخص کننده مقاطع مختلف به صورت تصادفی بین واحدها و مقاطع توزیع شده است. بنابراین مدل اثرات تصادفی را می توان به صورت زیر تعریف کرد:

رابطه (۴):

$$Y_{it} = a + \sum_{k=1}^k \beta_k X_{kit} + \eta_i + \varepsilon_{it}$$

با توجه به این که در این حالت واریانس های مربوط به مقاطع مختلف با هم یکسان نیستند، لذا مدل دچار ناهمسانی واریانس بوده و از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) جهت برآورد مدل استفاده می شود.

در روش داده های تلفیقی ابتدا دو آزمون انجام می شود که برای تعیین حالت برابری عرض از مبدا با حالت تفاوت در عرض از مبدا از آزمون F استفاده می کنیم. انجام این آزمون به دنبال این هستیم که آیا شواهدی دال بر برابری عرض از مبداها وجود دارد، یا این که عرض از مبداها برای مقاطع مختلف، متفاوت هستند. آماره مورد نیاز برای انجام این آزمون به صورت زیر است:

رابطه (۵):

$$F = \frac{(RRSS - URSS)/(N - 1)}{URSS/(NT - N - K)} \sim F_{N-1, N(T-1)-K}$$

که در رابطه (۵) (RRSS) مجموع مربعات پسماند مقید حاصل از روش حداقل مربعات معمولی، (URSS) مجموع مربعات پسماندهای غیر مقید حاصل از روش

حداقل مربعات با متغیر موهومی، T تعداد سال‌های مورد بررسی، N تعداد مقاطع و K تعداد متغیرهای توضیحی است.

برای تعیین روش اثر ثابت و یا اثر تصادفی از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. این آزمون تحت فرضیه صفر روش اثرات تصادفی و فرضیه مقابل روش اثرات ثابت شکل می‌گیرد، همچنین لگاریتم تولید ناخالص داخلی به‌عنوان رشد اقتصادی و لگاریتم ارزش افزوده هر یک از بخش‌های اقتصادی به‌عنوان رشد آن بخش در نظر گرفته شده است. مدلی که برای برآورد اثر ارزش افزوده بخش‌های مختلف بر رشد تولید ناخالص داخلی استان‌های کشور در نظر گرفته شده است به شرح زیر است:

رابطه (۶):

$$\text{LogGDP}_i = a_0 + a_1 \text{LogVAA} + a_2 \text{LogVAI} + a_3 \text{LogVAS} + a_4 \text{LogVAO} + e_i$$

متغیرهای مدل عبارتند از:

- LogGDP: لگاریتم تولید ناخالص داخلی.
- LogVAA: لگاریتم ارزش افزوده بخش کشاورزی.
- LogVAI: لگاریتم ارزش افزوده بخش صنعت.
- LogVAS: لگاریتم ارزش افزوده بخش خدمات.
- LogVAO: لگاریتم ارزش افزوده بخش نفت.

روش گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای بوده و از اطلاعات و آمار و ارقام که توسط مرکز آمار ایران برای ۳۰ استان کشور در سال ۱۳۹۸ منتشر شده است، استفاده می‌شود. همچنین از آمار و اطلاعات مربوط به ارزش افزوده بخش‌های کشاورزی، صنعت، ساختمان و خدمات و همچنین تولید ناخالص داخلی استان‌های کشور در سال‌های برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۵ تا ۱۳۹۰) که توسط مرکز آمار ایران منتشر و ارائه شده است، استفاده می‌گردد.

۳. برآورد الگو و تحلیل یافته ها

با به کارگیری روش حداقل مربعات تعمیم یافته، رابطه (۱) در دوره زمانی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ به روش داده های تلفیقی برای ۱۸۰ مشاهده برآورد شده است. پیش از برآورد مدل، از روش برآورد داده های تابلویی یا پانل باید اطمینان حاصل نمود که امکان برآورد به صورت جمعی وجود ندارد. در این آزمون، تفاوت ضرایب برآورد شده برای تک تک کشورها با ضرایب برآورد شده حاصل از داده های جمعی از طریق آماره های زیر بررسی می شود. در آزمون F فرضیه H_0 یعنی یکسان بودن عرض از مبدأ (روش ترکیبی Pooling) در مقابل فرضیه مخالف H_1 ، یعنی ناهمسانی عرض از مبدأ، (روش داده های تابلویی Panel) قرار می گیرد. بنابراین در صورت رد فرضیه H_0 روش داده های تابلویی پذیرفته می شود.

با مقایسه مقدار F حاصل شده از آزمون لیمر ($F=2,49$) و F جدول $1,07=(22,58)$ می توان گفت فرضیه H_0 را با احتمال ۹۵ درصد رد می شود، بنابراین از بین دو روش ترکیبی و داده های تابلویی باید روش داده های تابلویی را انتخاب کرد. همچنین بر اساس آزمون هاسمن رأی به روش تخمینی اثرهای تصادفی چرا که مقدار آن بر اساس برآورد حاصل از مدل ۲۸,۲۹۶ است و با مقایسه آن با آماره کای دو ($3,841$) فرضیه H_0 رد می شود و بنابراین بر اساس مطالب قبلی باید تحلیل ها را بر اساس روش اثرهای ثابت انجام داد.

البته قبل از برآورد مدل، لازم است که آزمون همبستگی مقطعی و ریشه واحد را برای داده های پانل انجام داد. برای انجام آزمون همبستگی مقطعی از آزمون وابستگی مقاطع پسران استفاده می کنیم. این آزمون برای داده های پانل متوازن و نامتوازن قابل اجرا بوده و در نمونه های کوچک دارای خصوصیات مطلوبی است و برای ابعاد مقطعی بزرگ و ابعاد زمانی کوچک نیز نتایج قابل اعتمادی ارائه نموده و نسبت به وقوع یک یا چند شکست ساختاری در ضرایب شیب رگرسیون فردی مقاوم است. آماره (CD)

پسران برای بررسی وجود وابستگی یا استقلال مقطعی در داده‌های پانل متوازن به صورت زیر ارائه می‌شود.

رابطه (۷):

$$CD = \sqrt{\frac{2T}{N(N-1)}} \left(\sum_{i=1}^{N-1} \sum_{j=i+1}^N \hat{P}_{ij} \right)$$

آماره فوق برای مقادیر ثابت T و N دارای میانگین صفر است. برای هر i، جملات u_{it} فاقد خود همبستگی پیاپی دارای میانگین صفر و واریانسی بین صفر تا بی‌نهایت (σ_i^2) است، بنابراین در فرض صفر آزمون - مبنی بر نبود وابستگی مقطعی - خواهیم داشت:

رابطه (۸):

$$H_0 : u_{it} = \sigma_i \varepsilon_{it}$$

که در آن ε_{it} نوفه سفید بوده و حول صفر به طور متقارن توزیع شده است؛ چنانچه قدر مطلق آماره محاسباتی (CD) از ۱/۹۶ بیشتر باشد، فرض صفر آزمون رد شده و وجود وابستگی مقطعی در داده‌های مورد مطالعه احراز می‌گردد (Posran, 2015).

جدول (۱): نتایج آزمون همبستگی بین مقاطع پسران متغیر آماره CD احتمال نتیجه آزمون پسران

نتیجه آزمون	سطح معناداری	احتمال	آماره CD پسران	متغیر
وابستگی بین مقاطع	*	۰/۰۰۰	۴/۳۸۳۷	تولید ناخالص داخلی
وابستگی بین مقاطع	*	۰/۰۰۱	۵/۲۴۳	ارزش افزوده کشاورزی
وابستگی بین مقاطع	*	۰/۰۰۰	۶/۵۳۸۸	ارزش افزوده صنعت و معدن
وابستگی بین مقاطع	*	۰/۲۶۱	۲/۲۴۰۰	ارزش افزوده خدمات
وابستگی بین مقاطع	*	۰/۰۰۹	۰/۳۳۲۸	ارزش افزوده نفت

منبع: یافته‌های محقق

*معناداری در سطح ۵ درصد

همان‌طور که در جدول (۱) نشان داده شده است، فرضیه صفر مبنی بر نبود وابستگی بین مقاطع در همه متغیرهای مورد بررسی رد می‌شود و بنابراین می‌توان نتیجه

گرفت، به طور کلی در بین مقاطع مختلف موجود در داده های ترکیبی مورد بررسی، همبستگی مقطعی وجود دارد. از این رو، بر پایه روش پژوهش مورد نظر، آزمون ریشه واحد مناسب در این پژوهش، آزمون ریشه واحد پسران (۲۰۰۳) است.

جدول (۲): نتایج آزمون ریشه واحد پسران

متغیر	آماره آزمون	احتمال	درجه پایایی
تولید ناخالص داخلی	۴۸/۱۷۱	۰/۰۰۴۰	I(0)
ارزش افزوده کشاورزی	۳۴/۷۸۵۹	۰/۰۰۳۷	I(0)
ارزش افزوده صنعت و معدن	۴۰/۷۳۱۱	۰/۰۰۴۸	I(0)
ارزش افزوده خدمات	۵۲/۵۴۹۳	۰/۰۰۱۵	I(0)
ارزش افزوده نفت	۵۶/۱۶۲۹	۰/۰۰۰۵	I(0)

منبع: یافته های تحقیق

با توجه به نتایج حاصل از جدول متغیرهای الگو در سطح سطح اطمینان بالای ۹۵ درصد پایا هستند.

جدول (۳): نتایج برآورد مدل به روش اثرات ثابت طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰

متغیر وابسته تولید ناخالص داخلی LGDP

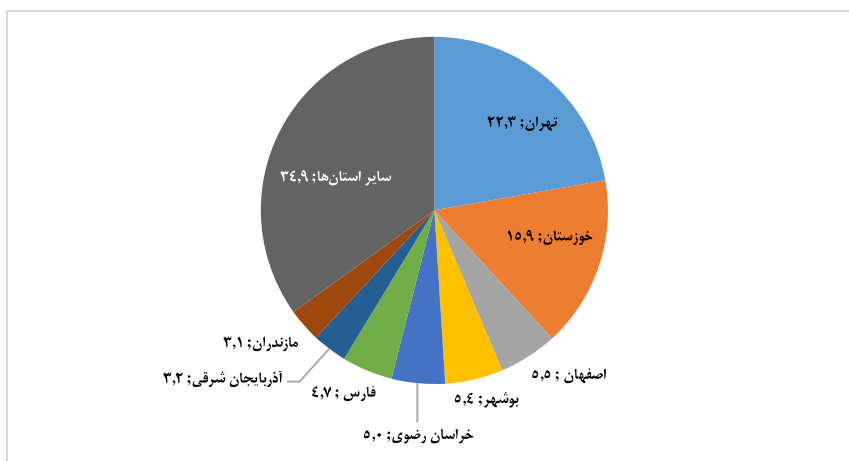
سطح معناداری	آماره t	انحراف معیار	ضریب	متغیرها
۰,۰۰۰۱	۳,۹۳۷۶۸۸	۲۳۲,۲۰۳۳	۹۱۴,۳۴۴۲	C
۰,۰۱۸۰	۲,۳۸۶۷۱۵	۰,۰۳۶۳۷۵	۰,۰۸۶۸۱۸	LogVAA
۰,۰۰۰۰	۱۰,۰۵۷۸۹۵	۰,۰۲۶۳۷۵	۰,۲۶۵۲۷۷	LogVAI
۰,۰۰۰۰	۹,۱۹۵۱۲۱	۰,۰۵۵۷۸۰	۰,۵۱۲۹۱۵	LogVAS
۰,۰۰۰۶	۳,۴۷۴۸۶۶	۳۰,۰۴۹۶۴	۰,۱۷۲۵۰۲	LogVAO
F=۱۵۲,۸	D.W=۱,۹۷	R2=۰,۸۵		

منبع: یافته های تحقیق

بر اساس نتایج به دست آمده که در جدول (۳) نشان داده شده تمامی متغیرهای به کار گرفته شده در مدل از لحاظ آماری معنادار هستند. در خصوص میزان تأثیرگذاری متغیرها روی رشد تولید ناخالص داخلی باید گفت که لگاریتم ارزش افزوده بخش کشاورزی با تولید ناخالص داخلی رابطه مثبت دارد به طوری که با یک درصد تغییر در لگاریتم ارزش افزوده بخش کشاورزی لگاریتم تولید ناخالص داخلی به میزان ۰,۰۸ درصد افزایش

می‌یابد. ضریب لگاریتم ارزش افزوده بخش صنعت در رشد تولید ناخالص داخلی مثبت ۰,۲۶ درصد است که بیش از سه برابر میزان تأثیر بخش کشاورزی در رشد تولید ناخالص داخلی بوده است. همین‌طور لگاریتم ارزش افزوده بخش خدمات مثبت ارزیابی شده و به عبارت دیگر یک درصد رشد در بخش خدمات افزایش ۰,۵۱ درصدی تولید ناخالص داخلی را به همراه داشته است. لگاریتم ارزش افزوده بخش خدمات بیشترین تأثیر را در رشد تولید ناخالص داخلی داشته و نشان‌دهنده آن است که این بخش خدمات بخش قالب بر اقتصاد کشور است. لگاریتم ارزش افزوده بخش نفت هم تأثیرگذاری ۰,۱۷ درصدی بر رشد تولید ناخالص داخلی را نشان می‌دهد.

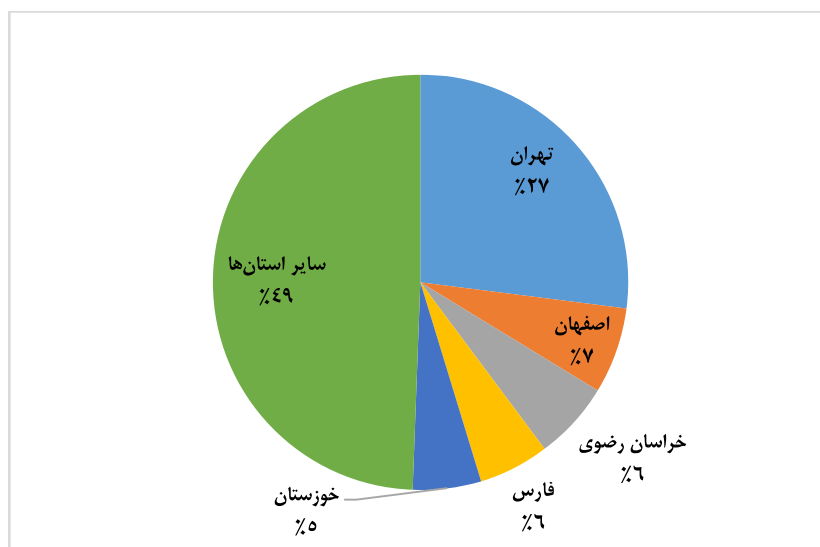
اطلاعات به دست آمده از سهم استان‌ها در تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهد که استان تهران با متوسط سهم ۲۲,۳ درصد، خوزستان ۱۵,۹ درصد، اصفهان ۵,۵ درصد، بوشهر ۵,۴ درصد، خراسان رضوی ۵ درصد، فارس ۴,۷ درصد، آذربایجان شرقی ۳,۲ درصد و مازندران ۳,۱ درصد بالاترین میزان سهم را به خود اختصاص داده‌اند. به عبارت دیگر بیش از ۶۵ درصد از ارزش تولید ناخالص داخلی کشور توسط این ۸ استان و حدود ۴۴ درصد، توسط ۳ استان تهران، خوزستان و اصفهان تأمین شده است.



نمودار (۱): متوسط سهم استان‌ها از تولید ناخالص داخلی کشور طی دوره برنامه پنجم توسعه

منبع: وبگاه مرکز آمار ایران

سهم استان ها در تولید ناخالص داخلی بدون نفت نشان می دهد که استان تهران به طور متوسط سهم ۲۷ درصد، اصفهان ۷ درصد، خراسان رضوی ۶,۱ و استان فارس ۵,۵ درصد و خوزستان ۵,۳ درصد از تولید ناخالص داخلی بدون نفت را به خود اختصاص می دهند. در مجموع می توان گفت این پنج استان حدود ۵۱ درصد از تولید ناخالص داخلی بدون نفت را به خود اختصاص داده اند.



نمودار (۲): متوسط سهم استان ها از تولید ناخالص داخلی بدون نفت کشور طی دوره برنامه پنجم توسعه
منبع: وبگاه مرکز آمار ایران

به طوری که در جدول (۴) مشاهده می شود سهم استان های چهارمحال و بختیاری، خراسان شمالی، کرمانشاه، از تولید ناخالص داخلی کشور طی سال پایانی برنامه پنجم توسعه نسبت به سال شروع برنامه تغییری نداشته و طی دوره هم تقریباً ثابت بوده است. سهم استان هایی نظیر بوشهر (۱/۳ درصد)، اصفهان، مازندران (۰/۷ درصد)، البرز، خراسان رضوی، کرمان، گیلان (۰/۵ درصد)، افزایش را نشان می دهد و سهم استان های خوزستان (۷/۳ درصد)، کهگیلویه و بویراحمد (۰/۷ درصد)، کاهش را تجربه

نموده‌اند. بر اساس اطلاعات جدول (۵) فقط سهم استان‌های ایلام و کهگیلویه و بویراحمد طی برنامه پنجم توسعه ثابت و مقدار ۰/۶ درصد را نشان می‌دهند. جدول (۴): سهم استان‌ها از تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ (درصد)

استان	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	متوسط سهم
آذربایجان شرقی	۳	۳.۲	۳	۳.۲	۳.۵	۳.۲	۳.۲
آذربایجان غربی	۱.۹	۱.۸	۱.۹	۲	۲.۲	۲.۱	۲.۰
اردبیل	۰.۸	۰.۹	۰.۹	۱	۱.۱	۱	۱.۰
اصفهان	۵.۱	۵.۲	۵.۳	۵.۵	۵.۹	۵.۸	۵.۵
البرز	۲.۴	۲.۵	۲.۵	۲.۷	۳.۲	۲.۹	۲.۷
ایلام	۱.۳	۰.۹	۱.۱	۱	۰.۸	۱	۱.۰
بوشهر	۴.۴	۴.۳	۵.۸	۶.۵	۴.۹	۵.۷	۵.۳
تهران	۲۰.۷	۲۱.۶	۲۰.۹	۲۲.۲	۲۴.۵	۲۳.۶	۲۲.۳
چهارمحال و بختیاری	۰.۶	۰.۶	۰.۶	۰.۶	۰.۷	۰.۶	۰.۶
خراسان جنوبی	۰.۴	۰.۴	۰.۴	۰.۵	۰.۵	۰.۵	۰.۵
خراسان رضوی	۴.۷	۴.۶	۴.۶	۵.۱	۵.۶	۵.۲	۵.۰
خراسان شمالی	۰.۵	۰.۵	۰.۵	۰.۶	۰.۶	۰.۵	۰.۵
خوزستان	۲۰.۳	۱۹.۶	۱۷.۲	۱۴.۸	۱۱	۱۲.۶	۱۵.۹
زنجان	۰.۸	۰.۸	۰.۸	۰.۹	۱	۱	۰.۹
سمنان	۰.۸	۰.۸	۰.۸	۰.۸	۰.۹	۱	۰.۹
سیستان و بلوچستان	۱.۱	۱.۲	۱.۱	۱.۳	۱.۴	۱.۴	۱.۳
فارس	۴.۷	۴.۶	۴.۵	۴.۷	۴.۸	۴.۹	۴.۷
قزوین	۱.۴	۱.۴	۱.۴	۱.۵	۱.۸	۱.۷	۱.۵
قم	۰.۹	۰.۹	۰.۹	۰.۹	۱.۱	۱	۱.۰
کردستان	۰.۹	۰.۸	۰.۸	۰.۹	۱	۱	۰.۹
کرمان	۲.۴	۳	۲.۸	۲.۹	۳	۲.۹	۲.۸
کرمانشاه	۱.۵	۱.۴	۱.۴	۱.۵	۱.۶	۱.۵	۱.۵
کهگیلویه و بویراحمد	۲.۶	۲.۳	۲.۴	۲.۴	۱.۷	۱.۹	۲.۲
گلستان	۱	۱	۱	۱.۲	۱.۳	۱.۳	۱.۱
گیلان	۱.۸	۱.۸	۱.۹	۲.۲	۲.۳	۲.۳	۲.۱
لرستان	۱.۱	۱.۱	۱.۱	۱.۱	۱.۲	۱.۲	۱.۱
مازندران	۲.۸	۲.۹	۲.۹	۳.۱	۳.۶	۳.۵	۳.۱
مرکزی	۱.۷	۱.۸	۱.۸	۱.۹	۲.۱	۲	۱.۹
هرمزگان	۱.۹	۲	۲.۱	۱.۹	۲.۲	۲.۱	۲.۰
همدان	۱.۲	۱.۲	۱.۲	۱.۳	۱.۴	۱.۳	۱.۳
یزد	۱.۶	۱.۷	۱.۷	۱.۸	۱.۹	۱.۸	۱.۸
فرمانطقه‌ای	۳.۷	۳.۲	۴.۷	۲	۱.۲	۱.۲	۲.۷
کشور	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

منبع: وبگاه مرکز آمار ایران

جدول (۵) سهم استان ها از تولید ناخالص داخلی بدون نفت به قیمت بازار طی سال های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۵ (درصد)

استان	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	متوسط سهم
آذربایجان شرقی	۴	۴	۳.۹	۳.۹	۴	۴	۳.۹۷
آذربایجان غربی	۲.۵	۲.۳	۲.۴	۲.۴	۲.۵	۲.۵	۲.۴۳
اردبیل	۱.۱	۱.۱	۱.۲	۱.۲	۱.۲	۱.۱	۱.۱۵
اصفهان	۶.۸	۶.۷	۶.۸	۶.۶	۶.۵	۶.۶	۶.۶۷
البرز	۳.۲	۳.۲	۳.۲	۳.۳	۳.۵	۳.۳	۳.۲۸
ایلام	۰.۶	۰.۶	۰.۶	۰.۶	۰.۶	۰.۶	۰.۶۰
بوشهر	۴.۲	۴.۲	۵.۵	۵.۲	۴	۵	۴.۶۸
تهران	۲۷.۴	۲۷.۵	۲۶.۸	۲۶.۷	۲۷.۳	۲۶.۹	۲۷.۱۰
چهارمحال و بختیاری	۰.۸	۰.۸	۰.۷	۰.۷	۰.۸	۰.۷	۰.۷۵
خراسان جنوبی	۰.۵	۰.۵	۰.۵	۰.۶	۰.۶	۰.۶	۰.۵۵
خراسان رضوی	۶.۲	۵.۹	۶	۶.۱	۶.۳	۵.۹	۶.۰۷
خراسان شمالی	۰.۶	۰.۶	۰.۶	۰.۷	۰.۶	۰.۶	۰.۶۲
خوزستان	۵.۴	۵.۸	۵.۳	۵.۴	۵.۲	۵.۲	۵.۳۸
زنجان	۱.۱	۱.۱	۱.۱	۱	۱.۲	۱.۲	۱.۱۲
سمنان	۱.۱	۱	۱	۱	۱	۱.۱	۱.۰۳
سیستان و بلوچستان	۱.۵	۱.۵	۱.۴	۱.۵	۱.۶	۱.۶	۱.۵۲
فارس	۶	۵.۷	۵.۵	۵.۳	۵.۴	۵.۴	۵.۵۸
قزوین	۱.۸	۱.۸	۱.۸	۱.۸	۲	۱.۹	۱.۸۵
قم	۱.۱	۱.۱	۱.۱	۱.۱	۱.۲	۱.۲	۱.۱۳
کردستان	۱.۱	۱.۱	۱.۱	۱.۱	۱.۱	۱.۲	۱.۱۲
کرمان	۳.۱	۳.۸	۳.۶	۳.۵	۳.۳	۳.۴	۳.۴۵
کرمانشاه	۱.۹	۱.۷	۱.۷	۱.۸	۱.۷	۱.۷	۱.۷۵
کهگیلویه و بویراحمد	۰.۶	۰.۶	۰.۶	۰.۶	۰.۶	۰.۶	۰.۶۰
گلستان	۱.۳	۱.۳	۱.۳	۱.۴	۱.۵	۱.۵	۱.۳۸
گیلان	۲.۴	۲.۴	۲.۴	۲.۷	۲.۶	۲.۷	۲.۵۳
لرستان	۱.۳	۱.۳	۱.۳	۱.۳	۱.۴	۱.۴	۱.۳۳
مازندران	۳.۷	۳.۷	۳.۷	۳.۷	۴	۳.۹	۳.۷۸
مرکزی	۲.۲	۲.۳	۲.۳	۲.۳	۲.۴	۲.۳	۲.۳۰
هرمزگان	۲.۵	۲.۵	۲.۶	۲.۳	۲.۴	۲.۳	۲.۴۳
همدان	۱.۶	۱.۵	۱.۵	۱.۶	۱.۵	۱.۵	۱.۵۳
یزد	۲.۴	۲.۴	۲.۴	۲.۴	۲.۱	۲.۱	۲.۳۰
فرمانطقه ای	-	-	-	-	-	-	-
کشور	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

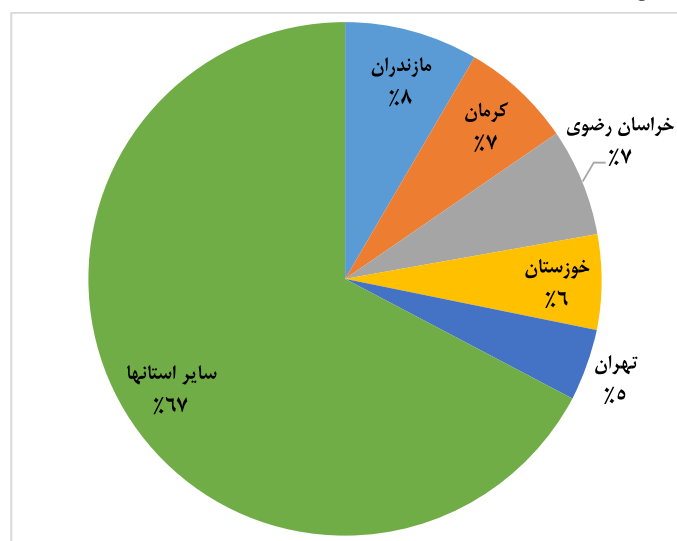
منبع: وبگاه مرکز آمار ایران

۴. سهم استان ها در ارزش افزوده بخش کشاورزی

همان طوری که از نمودار (۳) مشاهده می شود شش استان مازندران، فارس، خراسان رضوی، کرمان، خوزستان و آذربایجان شرقی حدود ۳۳ درصد از ارزش افزوده بخش کشاورزی را تشکیل می دهند. استان مازندران با سهمی حدود ۶/۸ درصد بالاترین سهم را به خود اختصاص داده است. سهم استان گیلان با ۶/۹ درصد رشد از ۱/۳ درصد سال ۱۳۹۰ به ۹/۴ درصد در سال پایانی برنامه پنجم افزایش داشته است. بعد از این استان،

استان‌های هرمزگان و گلستان به‌ترتیب با ۳/۵ و ۲/۵ درصد رشد در جایگاه دوم و سوم قرار دارند. تعداد ۱۲ استان با رشد منفی سهم در ارزش‌افزوده این بخش مواجه بوده‌اند که در این میان استان بوشهر با رشد منفی ۶/۵ درصدی بیشترین کاهش سهم را تجربه نموده است. از نقطه‌نظر رشد ارزش‌افزوده استان‌های گیلان، هرمزگان، گلستان به‌ترتیب با ۴۳، ۳۸ و ۳۶ درصد در صدر استان‌هایی هستند که رشد مثبت ارزش‌افزوده را تجربه نموده‌اند.

بر اساس جدول (۶) مقایسه سهم ارزش‌افزوده استان‌ها در سال پایان برنامه پنجم توسعه نسبت به سال شروع برنامه، حاکی از آن است که سهم استان‌های آذربایجان شرقی، اردبیل، خراسان شمالی، قم، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، تغییر نداشت است. این در حالی است که سهم استان‌های گلستان و گیلان (۰/۸ درصد)، هرمزگان (۰/۷ درصد)، اصفهان (۰/۵ درصد)، تهران و سیستان و بلوچستان (۰/۴ درصد)، خراسان رضوی (۰/۳ درصد)، افزایش یافته و سهم استان‌های مازندران (۱/۵ درصد)، خوزستان (۰/۹ درصد)، آذربایجان غربی و همدان (۰/۶ درصد)، بوشهر و لرستان (۰/۵ درصد) با کاهش مواجه شده‌اند.



نمودار (۳): متوسط سهم استان‌ها از ارزش‌افزوده بخش کشاورزی کشور طی دوره برنامه پنجم توسعه

منبع: وبگاه مرکز آمار ایران

جدول (۶): سهم استان ها در ارزش افزوده بخش کشاورزی کشور قیمت جاری (درصد)

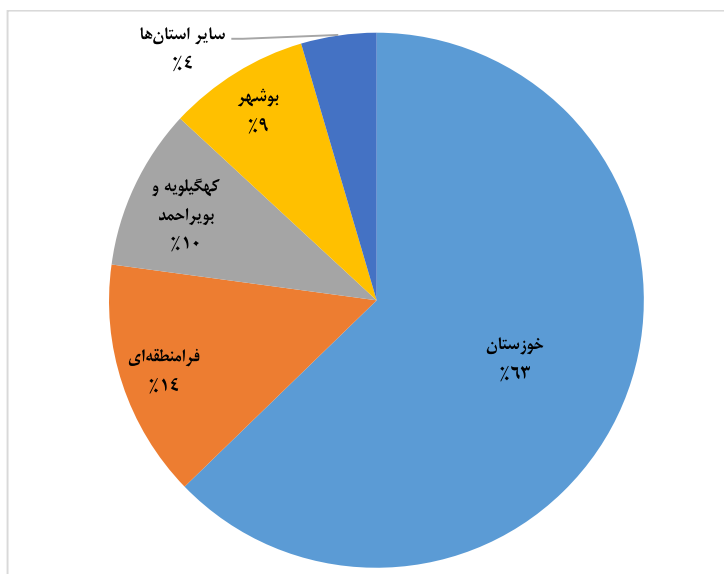
شرح فعالیت ها	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	متوسط سهم
آذربایجان شرقی	۴.۲	۴.۴	۴.۴	۴	۴.۳	۴.۲	۴.۳
آذربایجان غربی	۴.۵	۴.۴	۴.۵	۴.۱	۳.۹	۳.۹	۴.۲
اردبیل	۲.۴	۲.۵	۲.۸	۲.۷	۲.۶	۲.۴	۲.۶
اصفهان	۳.۶	۴.۲	۴.۴	۴.۶	۴.۵	۴.۱	۴.۲
البرز	۱.۵	۱.۶	۱.۷	۲.۲	۱.۸	۱.۶	۱.۷
ایلام	۰.۸	۰.۸	۰.۸	۰.۹	۰.۸	۰.۹	۰.۸
بوشهر	۲	۱.۹	۱.۹	۱.۸	۱.۷	۱.۵	۱.۸
تهران	۴.۱	۴.۱	۳.۹	۴.۵	۵.۱	۴.۵	۴.۴
چهارمحال و بختیاری	۱.۶	۱.۷	۱.۶	۱.۵	۱.۷	۱.۷	۱.۶
خراسان جنوبی	۱.۳	۱.۳	۱.۳	۱.۲	۱.۲	۱.۲	۱.۳
خراسان رضوی	۶.۴	۷.۱	۶.۷	۶.۷	۷.۳	۶.۷	۶.۸
خراسان شمالی	۱.۲	۱.۳	۱.۲	۱.۲	۱.۱	۱.۲	۱.۲
خوزستان	۷	۶.۲	۵.۸	۶	۵.۶	۶.۱	۶.۱
زنجان	۲	۲.۱	۲	۱.۹	۲.۱	۱.۹	۲.۰
سمنان	۱.۵	۱.۶	۱.۴	۱.۴	۱.۳	۱.۴	۱.۴
سیستان و بلوچستان	۲.۹	۳.۲	۲.۸	۳.۱	۳	۳.۳	۳.۱
فارس	۸.۶	۷.۸	۸.۱	۸.۳	۸.۳	۷.۸	۸.۲
قزوین	۲.۴	۲.۵	۲.۵	۲.۷	۲.۸	۲.۶	۲.۶
قم	۰.۹	۰.۹	۰.۸	۰.۹	۰.۹	۰.۹	۰.۹
کردستان	۱.۹	۱.۸	۲.۱	۲	۱.۹	۲.۱	۲.۰
کرمان	۷.۲	۶.۹	۷.۳	۶.۹	۷	۷	۷.۱
کرمانشاه	۲.۵	۲.۱	۱.۹	۲.۷	۲.۳	۲.۵	۲.۳
کهگیلویه و بویراحمد	۱	۰.۹	۱	۰.۹	۰.۹	۱	۱.۰
گلستان	۲.۸	۳.۱	۳	۳	۳.۲	۳.۶	۳.۱
گیلان	۳.۱	۳.۲	۳.۴	۳.۵	۳.۸	۴.۹	۳.۷
لرستان	۲.۹	۲.۹	۲.۹	۲.۳	۲.۴	۲.۴	۲.۶
مازندران	۹.۷	۸.۸	۸.۹	۷.۹	۷.۹	۸.۲	۸.۶
مرکزی	۲.۲	۲.۳	۲.۳	۲.۶	۲.۳	۲.۳	۲.۳
هرمزگان	۲.۴	۲.۹	۲.۷	۲.۹	۳.۳	۳.۱	۲.۹
همدان	۳.۴	۳	۳.۵	۳.۵	۲.۸	۲.۸	۳.۲
یزد	۲	۲.۵	۲.۴	۲.۱	۲.۲	۲.۲	۲.۲
کشور	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

منبع: وبگاه مرکز آمار ایران

۵. سهم استان ها در ارزش افزوده بخش نفت

همان طوری که از نمودار (۴) مشاهده می شود پنج استان خوزستان، کهگیلویه و بویر احمد، بوشهر حدود ۷۳ درصد از ارزش افزوده بخش نفت را تشکیل می دهند. استان خوزستان با سهمی حدود ۶۳ درصد بالاترین سهم را به خود اختصاص داده است. نتایج به دست آمده در جدول (۷) نشان می دهد که سهم از ارزش افزوده نفت خام و گاز طبیعی استان های بوشهر (۵/۷ درصد)، کهگیلویه و بویر احمد (۱/۷ درصد)، تهران

و فارس (۰/۶ درصد)، افزایش داشته است و سهم استان‌های خوزستان (۲/۹ درصد)، کرمانشاه (۰/۲ درصد) و فرامنطقه‌ای (۶ درصد)، با کاهش مواجه بوده است.



نمودار (۴): متوسط سهم استان‌ها از ارزش افزوده بخش نفت کشور طی دوره برنامه پنجم توسعه

منبع: وبگاه مرکز آمار ایران

جدول (۷): سهم استان‌ها در ارزش افزوده نفت خام و گاز طبیعی به قیمت جاری (درصد)

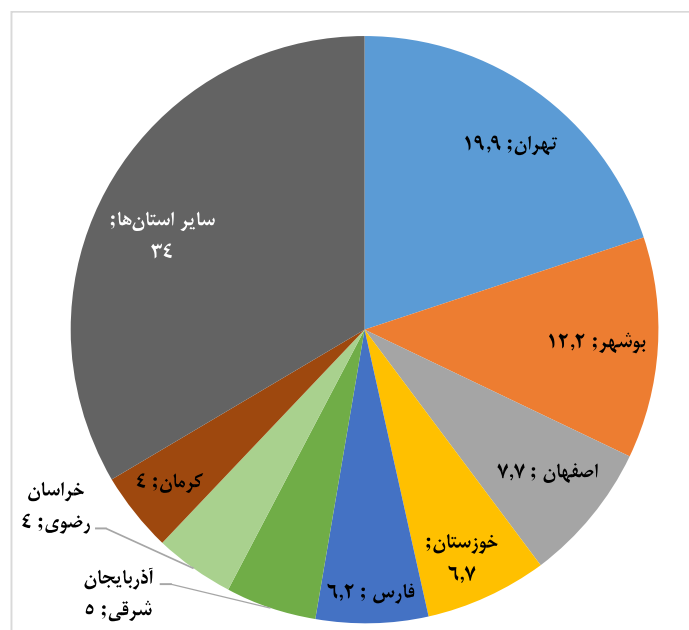
استان	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	متوسط سهم
ایلام	۳.۵۷	۱.۹۱	۲.۷۳	۲.۵۵	۲.۶۰	۳.۸۳	۲.۸۶
بوشهر	۴.۸۶	۴.۸۴	۶.۸۷	۱۲.۶۱	۱۲.۲۶	۱۰.۶۴	۸.۷۰
تهران	۰.۱۲	۰.۲۴	۰.۳۳	۰.۳۶	۰.۸۲	۰.۹۳	۰.۴۷
خراسان رضوی	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۳	۰.۰۲	۰.۰۱
خوزستان	۶۶.۳۰	۶۹.۱۲	۵۸.۹۰	۵۹.۶۷	۶۰.۶۲	۶۳.۳۹	۶۳.۰۰
فارس	۰.۶۲	۰.۶۷	۰.۷۱	۰.۸۱	۰.۹۸	۱.۱۶	۰.۸۲
کرمانشاه	۰.۳۲	۰.۳۶	۰.۲۴	۰.۱۸	۰.۱۵	۰.۱۰	۰.۲۳
کهگیلویه و بویراحمد	۸.۹۵	۸.۵۰	۸.۷۸	۱۱.۱۶	۱۱.۰۷	۱۰.۶۱	۹.۸۵
لرستان	۰.۱۷	۰.۱۸	۰.۱۵	۰.۱۵	۰.۱۵	۰.۱۳	۰.۱۵
مازندران	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۱	۰.۰۱	۰.۰۰
هرمزگان	۰.۰۲	۰.۰۵	۰.۰۳	۰.۰۳	۰.۰۵	۰.۰۳	۰.۰۳
فرامنطقه‌ای	۱۵.۰۷	۱۴.۱۱	۲۱.۲۶	۱۲.۴۶	۱۱.۱۶	۹.۱۶	۱۳.۸۷
کشور	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

منبع: وبگاه مرکز آمار ایران

۶. سهم استان ها در ارزش افزوده بخش صنایع و معادن

همان طوری که از نمودار (۵) مشاهده می شود پنج استان خوزستان، تهران، بوشهر، اصفهان و فارس حدود ۵۳ درصد از ارزش افزوده بخش صنایع و معادن را تشکیل می دهند. استان تهران با سهمی حدود ۲۰ درصد بالاترین سهم را به خود اختصاص داده است. بعد از استان تهران به ترتیب استان های بوشهر با ۱۲ درصد، اصفهان با ۸ درصد، خوزستان با ۷ درصد و فارس با ۶ درصد در رتبه های بعدی قرار دارند. مقایسه رشد ارزش افزوده صنایع و معادن استان ها طی برنامه پنجم توسعه نشان می دهد که استان بوشهر با ۷/۳۰ درصد، استان کرمان با ۹/۲۲ درصد، استان زنجان با ۱/۲۲ درصد رشد بالاترین میزان را در میان استان ها داشته اند. میانگین رشد ارزش افزوده کشوری حدود ۱۷ درصد بوده است.

بر اساس جدول (۸) سهم از ارزش افزوده صنایع و معادن سال پایان برنامه نسبت به سال ابتدای برنامه توسعه استان های بوشهر (۳/۸ درصد)، تهران (۱/۵ درصد)، البرز و قزوین (۰/۵ درصد)، کرمان (۰/۴ درصد)، زنجان (۰/۳ درصد)، سمنان و آذربایجان شرقی (۰/۲ درصد)، گلستان، خراسان جنوبی و مازندران (۰/۱ درصد) با افزایش همراه بوده است در حالی که سهم استان های فارس (۲ درصد)، خراسان رضوی (۱/۵ درصد)، یزد (۱ درصد) هرمزگان، اصفهان (۰/۸ درصد)، (۰/۶ درصد) خوزستان (۰/۵ درصد) ایلام (۰/۲ درصد) کاهش داشته است. سهم استان های قم، کهگیلویه و بویراحمد، سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی و آذربایجان غربی از ارزش افزوده صنایع و معادن ثابت مانده است.



نمودار (۵): متوسط سهم استان‌ها از ارزش افزوده بخش صنعت و معدن کشور طی دوره برنامه پنجم توسعه

منبع: وبگاه مرکز آمار ایران

جدول (۸): سهم استان‌ها در ارزش افزوده صنایع و معادن به قیمت جاری (درصد)

شرح فعالیت‌ها	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	متوسط سهم
آذربایجان شرقی	۵.۰	۴.۹	۴.۷	۴.۹	۵.۱	۵.۲	۵.۰
آذربایجان غربی	۱.۷	۱.۶	۱.۶	۱.۶	۱.۸	۱.۷	۱.۷
اردبیل	۰.۸	۰.۸	۰.۸	۰.۸	۰.۸	۰.۷	۰.۸
اصفهان	۸.۴	۷.۸	۸.۰	۷.۵	۷.۳	۷.۶	۷.۸
البرز	۲.۸	۲.۶	۲.۶	۲.۷	۴.۰	۳.۳	۳.۰
ایلام	۰.۸	۰.۹	۰.۸	۰.۸	۰.۷	۰.۶	۰.۸
بوشهر	۹.۷	۹.۹	۱۳.۹	۱۳.۵	۱۰.۸	۱۳.۵	۱۱.۹
تهران	۱۹.۲	۲۰.۰	۱۸.۷	۲۰.۰	۲۰.۶	۲۰.۷	۱۹.۹
چهارمحال و بختیاری	۰.۶	۰.۶	۰.۵	۰.۶	۰.۶	۰.۵	۰.۶
خراسان جنوبی	۰.۴	۰.۴	۰.۴	۰.۵	۰.۵	۰.۵	۰.۵
خراسان رضوی	۵.۴	۴.۱	۴.۳	۴.۷	۴.۶	۳.۹	۴.۵
خراسان شمالی	۰.۶	۰.۶	۰.۷	۰.۸	۰.۶	۰.۶	۰.۷
خوزستان	۶.۶	۸.۰	۶.۶	۶.۹	۶.۴	۶.۱	۶.۸
زنجان	۱.۳	۱.۲	۱.۲	۱.۱	۱.۴	۱.۵	۱.۳
سمنان	۱.۴	۱.۲	۱.۲	۱.۱	۱.۳	۱.۶	۱.۳
سیستان و بلوچستان	۱.۰	۱.۰	۰.۸	۰.۹	۱.۱	۱.۰	۱.۰
فارس	۷.۷	۷.۰	۶.۷	۶.۱	۵.۲	۵.۷	۶.۴
قزوین	۲.۶	۲.۵	۲.۶	۲.۶	۳.۲	۳.۱	۲.۸
قم	۱.۲	۱.۲	۱.۲	۱.۱	۱.۲	۱.۲	۱.۲
کردستان	۰.۷	۰.۶	۰.۶	۰.۶	۰.۵	۰.۶	۰.۶

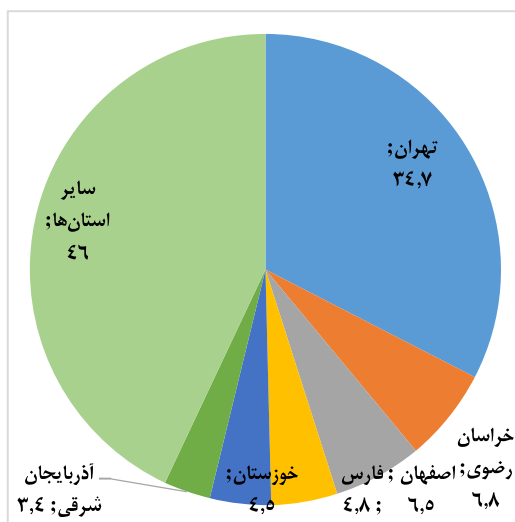
شرح فعالیت ها	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	متوسط سهم
کرمان	۳.۷	۵.۷	۴.۹	۴.۲	۴.۱	۴.۱	۴.۵
کرمانشاه	۱.۶	۱.۳	۱.۲	۱.۳	۱.۱	۰.۹	۱.۲
کهگیلویه و بویراحمد	۰.۵	۰.۴	۰.۴	۰.۵	۰.۶	۰.۵	۰.۵
گلستان	۰.۸	۰.۷	۰.۷	۰.۹	۰.۹	۰.۹	۰.۸
گیلان	۱.۹	۱.۸	۱.۸	۱.۸	۱.۹	۱.۸	۱.۸
لرستان	۰.۸	۰.۷	۰.۶	۰.۷	۰.۷	۰.۷	۰.۷
مازندران	۲.۳	۲.۳	۲.۰	۲.۲	۲.۵	۲.۴	۲.۳
مرکزی	۳.۱	۳.۰	۳.۳	۳.۳	۳.۸	۳.۳	۳.۳
هرمزگان	۳.۱	۳.۱	۳.۶	۲.۵	۲.۸	۲.۵	۲.۹
همدان	۱.۱	۰.۹	۰.۸	۰.۹	۰.۹	۱.۰	۰.۹
یزد	۲.۳	۳.۳	۲.۸	۲.۹	۳	۲.۳	۲.۹
فرمانطقه ای	-	-	-	-	-	-	-
کشور	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۰

منبع: وبگاه مرکز آمار ایران

۷. سهم استان ها در ارزش افزوده بخش خدمات

نمودار (۶) نشان می دهد که متوسط سهم از ارزش افزوده بخش خدمات شش استان تهران، خراسان رضوی، اصفهان، فارس، خوزستان و مازندران حدود ۶۱ درصد از ارزش افزوده بخش صنایع و معادن را طی دوره مورد بررسی تشکیل می دهند. استان تهران با سهمی حدود ۳۳ درصد بالاترین سهم را به خود اختصاص داده است.

جدول (۹) نشان می دهد که سهم ارزش افزوده خدمات به قیمت جاری نُه استان آذربایجان شرقی، اردبیل، ایلام، خراسان شمالی، زنجان، سیستان و بلوچستان، کردستان، مرکزی و همدان طی سال های برنامه پنجم توسعه کشور تقریباً ثابت بوده است. سهم ارزش افزوده خدمات استان اصفهان در سال پایان برنامه پنجم توسعه نسبت به سال شروع برنامه ۰/۳ درصد و استان های خوزستان، فارس، یزد و مازندران ۰/۲ درصد افزایش داشته است. سهم ارزش افزوده خدمات استان های آذربایجان غربی، البرز، تهران، چهارمحال و بختیاری، سمنان، کرمانشاه بین ۰/۱ تا ۰/۲ کاهش نشان می دهد.



نمودار (۶): متوسط سهم استان‌ها از ارزش افزوده بخش خدمات کشور طی دوره برنامه پنجم توسعه

منبع: وبگاه مرکز آمار ایران

جدول (۹) سهم استان‌ها در ارزش افزوده خدمات به قیمت جاری (درصد)

شرح فعالیت‌ها	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	متوسط سهم
آذربایجان شرقی	۳.۴	۳.۴	۳.۴	۳.۳	۳.۳	۳.۴	۳.۴
آذربایجان غربی	۲.۸	۲.۵	۲.۵	۲.۵	۲.۶	۲.۶	۲.۶
اردبیل	۱.۱	۱.۱	۱.۱	۱.۲	۱.۱	۱.۱	۱.۱
اصفهان	۶.۲	۶.۳	۶.۵	۶.۵	۶.۶	۶.۵	۶.۵
البرز	۳.۷	۳.۹	۳.۸	۳.۸	۳.۶	۳.۶	۳.۷
ایلام	۰.۵	۰.۵	۰.۵	۰.۵	۰.۵	۰.۵	۰.۵
بوشهر	۱.۲	۱.۲	۱.۲	۱.۲	۱.۳	۱.۳	۱.۲
تهران	۳۵.۲	۳۵.۶	۳۵.۶	۳۴.۳	۳۴.۳	۳۴.۰	۳۴.۷
چهارمحال و بختیاری	۰.۸	۰.۸	۰.۷	۰.۷	۰.۷	۰.۷	۰.۷
خراسان جنوبی	۰.۵	۰.۵	۰.۵	۰.۵	۰.۵	۰.۵	۰.۵
خراسان رضوی	۶.۷	۶.۸	۶.۸	۶.۸	۶.۹	۶.۸	۶.۸
خراسان شمالی	۰.۶	۰.۶	۰.۵	۰.۶	۰.۶	۰.۶	۰.۶
خوزستان	۴.۴	۴.۴	۴.۴	۴.۵	۴.۵	۴.۶	۴.۵
زنجان	۰.۹	۰.۹	۰.۸	۰.۹	۰.۹	۰.۹	۰.۹
سمنان	۰.۹	۰.۹	۰.۸	۰.۸	۰.۹	۰.۸	۰.۹
سیستان و بلوچستان	۱.۶	۱.۶	۱.۶	۱.۶	۱.۶	۱.۶	۱.۶
فارس	۴.۷	۴.۶	۴.۶	۴.۸	۴.۸	۴.۹	۴.۸
قزوین	۱.۲	۱.۳	۱.۲	۱.۳	۱.۳	۱.۳	۱.۳
قم	۱.۱	۱.۱	۱.۱	۱.۱	۱.۲	۱.۲	۱.۲
کردستان	۱.۳	۱.۳	۱.۲	۱.۲	۱.۲	۱.۳	۱.۲
کرمان	۲.۳	۲.۲	۲.۲	۲.۳	۲.۳	۲.۴	۲.۳
کرمانشاه	۲.۱	۱.۹	۱.۹	۱.۹	۱.۹	۱.۹	۲.۰
کهگیلویه و بویراحمد	۰.۶	۰.۶	۰.۶	۰.۶	۰.۶	۰.۶	۰.۶
گلستان	۱.۴	۱.۴	۱.۴	۱.۴	۱.۵	۱.۵	۱.۴
گیلان	۲.۶	۲.۶	۲.۶	۳.۱	۲.۷	۲.۷	۲.۷
لرستان	۱.۴	۱.۵	۱.۵	۱.۴	۱.۵	۱.۵	۱.۵
مازندران	۳.۸	۳.۷	۳.۸	۳.۸	۴.۰	۴.۰	۳.۹
مرکزی	۱.۷	۱.۸	۱.۷	۱.۷	۱.۷	۱.۷	۱.۷
هرمزگان	۲.۱	۲.۱	۲.۱	۲.۰	۲.۱	۲.۱	۲.۱
همدان	۱.۶	۱.۶	۱.۶	۱.۶	۱.۶	۱.۶	۱.۶
یزد	۱.۶	۱.۳	۱.۷	۲	۱.۷	۱.۸	۱.۷
کشور	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

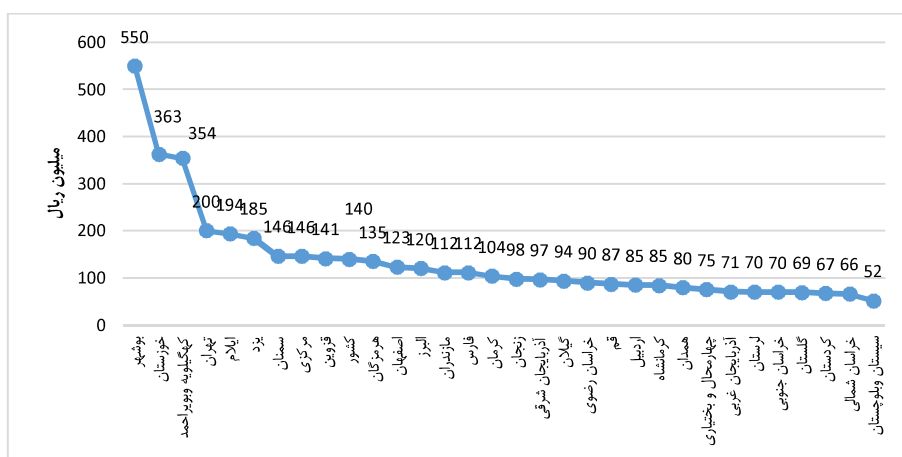
منبع: وبگاه مرکز آمار ایران

۸. سرانه تولید ناخالص داخلی کشور و استان‌ها

همان‌طوری که در نمودار (۷) مشاهده می‌شود متوسط سرانه تولید ناخالص داخلی استان بوشهر با مبلغ ۵۵۰ میلیون ریال بالاترین میزان و استان‌های خوزستان، کهگیلویه

و بویار احمد و تهران به ترتیب با ۳۶۳ و ۳۵۴ و ۲۰۰ میلیون ریال در رتبه های بعدی قرار دارند. تولید سرانه استان بوشهر حدود ۱۰ برابر و استان خوزستان حدود ۷ برابر استان سیستان و بلوچستان بوده است. تولید سرانه ۱۶ استان زیر ۱۰۰ میلیون ریال و تولید سرانه ۲۸ استان زیر ۲۰۰ میلیون ریال است.

تولید سرانه ناخالص داخلی نُه استان بالاتر از میانگین کشوری و ۲۲ استان پایین تر از میانگین کشوری بوده است. از میان استان هایی که تولید سرانه ناخالص داخلی بالاتر از میانگین داشته اند، استان بوشهر حدود ۴ برابر میانگین کشوری و استان خوزستان حدود ۲,۵ برابر میانگین کشوری بوده است.



نمودار (۷): متوسط سرانه تولید ناخالص داخلی کشور و استان ها طی برنامه پنجم توسعه

منبع: وبگاه مرکز آمار ایران

جمع بندی و نتیجه گیری

با بررسی تأثیر ارزش افزوده بخش های اقتصادی استان ها بر رشد تولید ناخالص داخلی کشور طی دوره برنامه پنجم توسعه، با استفاده از تکنیک پانل دیتا و در قالب داده های تابلویی مشخص گردید که در بین بخش های کشاورزی، صنعت و معدن، نفت و خدمات همانند مطالعات قبلی تأثیر ارزش افزوده بخش کشاورزی بر رشد تولید ناخالص داخلی کشور پایین تر از سایر بخش های اقتصادی بوده و در حال نزول است. زیرا در برنامه

پنجم توسعه توجه به بخش کشاورزی به مراتب کمتر از برنامه چهارم توسعه بوده است. تأثیر ارزش افزوده بخش خدمات بر رشد اقتصادی در حال افزایش است و در مورد صنایع و معادن و نفت هم شاهد نوسانات تأثیر این بخش‌ها بر رشد اقتصادی هستیم.

سهم استان‌ها در تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهد که استان تهران با متوسط سهم ۳/۲۲ درصد، خوزستان ۹/۱۵ درصد، اصفهان ۵/۵ درصد، بوشهر ۴/۵ درصد، خراسان رضوی ۵ درصد، فارس ۷/۴، آذربایجان شرقی با ۲/۳ درصد و مازندران ۱/۳ درصد، بالاترین میزان سهم را به خود اختصاص داده‌اند. به عبارت دیگر، بیش از ۶۵ درصد از ارزش تولید ناخالص داخلی کشور توسط این ۸ استان و حدود ۴۴ درصد، توسط ۳ استان تهران، خوزستان و اصفهان تأمین شده است. سهم استان‌ها در تولید ناخالص داخلی بدون نفت نشان می‌دهد که استان تهران به طور متوسط سهم ۲۷ درصد، اصفهان ۷ درصد، خراسان رضوی ۱/۶ و استان فارس ۵/۵ درصد و خوزستان ۳/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی بدون نفت را تشکیل می‌دهند. در مجموع می‌توان گفت این پنج استان حدود ۵۱ درصد از تولید ناخالص داخلی بدون نفت را به خود اختصاص داده‌اند.

متوسط سهم استان‌ها از ارزش افزوده بخش کشاورزی طی برنامه پنجم توسعه، بیانگر آن است که شش استان مازندران، فارس، خراسان رضوی، کرمان، خوزستان و آذربایجان شرقی حدود ۳۳ درصد از ارزش افزوده بخش کشاورزی را تشکیل می‌دهند.

استان مازندران با سهمی حدود ۴/۸ درصد بالاترین سهم را به خود اختصاص داده است. سهم استان گیلان با ۶/۹ درصد رشد از ۱/۳ درصد سال ۱۳۹۰ به ۹/۴ درصد در سال پایانی برنامه پنجم افزایش داشته است. بعد از این استان استان‌های هرمزگان و گلستان به ترتیب با ۳/۵ و ۲/۵ درصد رشد در جایگاه دوم و سوم قرار دارند. تعداد ۱۲ استان با رشد منفی سهم در ارزش افزوده این بخش مواجه بوده‌اند که در این میان استان بوشهر با رشد منفی ۶/۵ درصدی بیشترین کاهش سهم را تجربه نموده است. از

نقطه نظر رشد ارزش افزوده استان‌های گیلان، هرمزگان، گلستان به ترتیب با ۴۱، ۳۶ و ۳۵ درصد در صدر استان‌هایی هستند که رشد مثبت ارزش افزوده را تجربه نموده‌اند.

بررسی ارزش افزوده بخش نفت طی برنامه پنجم توسعه، حاکی از آن است که پنج استان خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر حدود ۷۳ درصد از ارزش افزوده بخش نفت را تشکیل می‌دهند. استان خوزستان نیز با سهمی حدود ۶۳ درصد بالاترین سهم را به خود اختصاص داده است.

استان خوزستان، تهران، بوشهر، اصفهان و فارس حدود ۵۳ درصد از ارزش افزوده بخش صنایع و معادن طی برنامه پنجم توسعه را تشکیل می‌دهند. استان تهران با سهمی حدود ۲۰ درصد بالاترین سهم را به خود اختصاص داده است. بعد از استان تهران به ترتیب استان‌های بوشهر با ۱۲ درصد، اصفهان با ۸ درصد، خوزستان با ۷ درصد و فارس با ۶ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. مقایسه رشد ارزش افزوده صنایع و معادن استان‌ها طی برنامه پنجم توسعه نشان می‌دهد که استان بوشهر با ۲/۲۴ درصد، استان قزوین با ۶/۲۱ درصد، استان قزوین با ۴/۲۰ و استان البرز با ۳/۲۰ درصد رشد بالاترین میزان را در میان استان‌ها داشته‌اند. میانگین رشد ارزش افزوده کشوری حدود ۳/۱۶ درصد بوده است.

بر اساس بررسی‌های انجام‌شده در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران بخش کشاورزی علی‌رغم ظرفیت‌های بسیار خوبی که برای افزایش تولید، اشتغال و درآمد ملی دارد، به دلیل سیاست‌های نادرست اقتصادی دولت نتوانسته نقش واقعی را در پیشبرد اهداف اقتصادی کشور ایفا نماید. در ایران و بر اساس نتایج به دست آمده، در بین هیچ کدام از بخش‌ها ارتباط دوطرفه‌ای وجود ندارد و ارتباط محدودی بین بخش‌های کشاورزی و صنعت و همچنین صنعت و خدمات وجود دارد. بخش خدمات نیز تأثیر منفی بر تولیدات کشاورزی دارد. بخش کشاورزی تاحدودی نهاده‌های مورد نیاز بخش صنعت (مثل دانه‌های روغنی و مواد اولیه صنایع تبدیلی و غیره را فراهم

می‌کند. بخش صنعت هم برای بخش کشاورزی سم، کود، ماشین‌آلات و غیره را فراهم می‌کند، اما هنوز این ارتباط محدود است و نیاز به سیاست‌گذاری‌های مناسب‌تری دارد تا این دو بخش بتوانند هماهنگ رشد کنند و سبب رشد بخش‌های دیگر شوند. بر اساس آمارهای جهانی در سال‌های اخیر، حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد از ارزش‌افزوده کل در کشورهای توسعه‌یافته‌ای همانند ژاپن، فرانسه، انگلستان و ایالات متحده آمریکا در بخش خدمات بوده و همچنین سهم قابل ملاحظه‌ای در حدود ۷۰ تا ۷۵ درصد از کل شاغلان را در کشورهای مذکور در بر دارد. بخش خدمات در ایران حدود ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی را شامل می‌شود که البته هنوز هم از متوسط جهانی (حدود ۶۴ درصد بر اساس آمار بانک جهانی) کمتر است.

پیشنهادهای

- با توجه به اثر مثبت بخش کشاورزی، نیروی کار، صادرات و سرمایه‌گذاری در افزایش رشد اقتصادی و پیوندهای پنج‌گانه بین‌بخشی یادشده، پیشنهاد می‌شود به‌منظور ارتقای رشد و توسعه اقتصادی، ظرفیت‌های بالقوه بخش کشاورزی اعم از سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، افزایش صادرات محصولات کشاورزی، توسعه صنایع تبدیلی و افزایش اشتغال در این بخش را با توجه به کاربردی بودن آن در دستور کار مسئولان امر قرار گیرد. پذیرش و اهمیت بخش کشاورزی در وضعیت جاری و آینده اقتصاد کشور و نیاز فوری به درآمدهای ارزی ناشی از صادرات محصولات کشاورزی و استفاده از تولیدات این بخش برای مصارف داخلی، ضرورت جدی توجه به بخش کشاورزی را آشکار می‌سازد؛ ضمناً برای دستیابی به توسعه پایدار، تولید و استفاده از منابع در کنار سایر عوامل از قبیل فناوری، منابع انسانی و منابع مالی ضروری است.

- با توجه به مطالعات انجام‌شده در زمینه رابطه سهم بخش‌های اقتصادی با رشد و توسعه اقتصادی در جهان، همانند لیندن و محمود رابطه‌ای مشخص، مثبت و معنادار

بین رشد سهم بخش صنعت و رشد اقتصادی را تأیید کرده و لازم است تلاش مضاعفی جهت افزایش سهم این بخش انجام گیرد.

- از آنجایی که اکثر فرصت‌های شغلی در بخش خدمات بیشتر بر پایه سرمایه انسانی و نیروی کار استوار هستند تا سرمایه فیزیکی، بهره‌وری در این بخش به نسبت دو بخش دیگر با سرعت بسیار پایی افزایش پیدا می‌کند و این سبب خواهد شد تا بهای تمام‌شده خدمات نسبت به کشاورزی و صنعت بالاتر باشد و این امر سبب افزایش سهم آن بخش نسبت به سایر بخش‌ها از تولید ناخالص داخلی می‌گردد. بنابراین لازم است برای افزایش اشتغال به این بخش توجه ویژه‌ای شود.

- بهبود فضای کسب و کار، مشوق‌های تشویقی جهت امر تولید و سرمایه‌گذاری، تسهیلات کم‌بهره، فراهم نمودن زیرساخت‌های حمل و نقل و گردشگری، توجه به محصولات ارگانیک، استفاده از شیوه‌های نوین کشاورزی و آبیاری، خرید تضمینی محصولات کشاورزی، افزایش کیفیت محصولات، استفاده از برنامه‌های آگاهی‌سازی و آموزش و برندسازی، مبارزه با قاچاق کالا، جلوگیری از افزایش بی‌رویه واردات، کاهش هزینه‌های تولید و فرهنگ‌سازی و تبلیغات جهت استفاده از محصولات داخلی، می‌بایست مدنظر وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی، صمت و گردشگری قرار گیرد.

کتابنامه

اسفندیاری، هنگامه؛ نجفی، بهالدین و موسوی، نعمت‌الله (۱۳۹۵)، «نقش بخش‌های اقتصادی در رشد اقتصادی ایران با تأکید بر بخش کشاورزی»، پژوهش‌های اقتصاد کشاورزی، ۸(۲۹)، ۸۵-۹۹.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، حساب‌های اقتصادی استان‌ها، (۱۳۹۵ تا ۱۳۹۰).

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، گزارش اقتصادی - اجتماعی، (۱۳۹۵ تا ۱۳۹۰).

فلسفیان، آزاده؛ قهرمانزاده، محمد؛ و غلامی، لیلا (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه علی بین رشد بخش کشاورزی و رشد اقتصادی در ایران»، *اکوفیزیولوژی گیاهان زراعی (علوم کشاورزی)*، ۴ (۱۴)، ۹۱-۱۰۱.

فلکی، ملیحه و کامکار دلاکه، هادی (۱۳۹۴)، «بررسی تأثیر ارزش افزوده بخش صنعت بر رشد اقتصادی ایران با رویکرد مدیریت اقتصاد کشاورزی ۱۳۹۳-۱۳۳۸»، *سومین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت با رویکرد علوم پژوهشی نوین*، تهران.

محمدی خیاره، محسن و مظهری، رضا (۱۳۹۶)، «بررسی تأثیر متقابل رشد اقتصادی و توسعه بخش کشاورزی در ایران»، *تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، ۹ (۳۶)، ۲۵۹-۲۸۲.

محنت‌فر، یوسف؛ سلیمانی، حامد و بابایی، سیدبیژن (۱۳۹۴)، «تأثیر ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی بر رشد اقتصادی استان‌ها در برنامه چهارم توسعه (با تأکید بر بخش کشاورزی) با استفاده از داده‌های تابلویی»، *پژوهش‌نامه اقتصاد کلان (پژوهش‌نامه علوم اقتصادی)*، ۱۰ (۲۰)، ۱-۱۶.

کورکی نژاد، ژاله و نجفی، بهالدین (۱۳۸۷)، «تعیین سهم نسبی بخش‌های اقتصادی در رشد اقتصاد ایران: کاربرد مدل شبیه‌سازی»، *اقتصاد کشاورزی (اقتصاد و کشاورزی)*، ۲ (۲)، ۶۹-۹۲.

- Attiah, E. (2019), "The Role of Manufacturing and Service Sectors in Economic Growth: An Empirical Study of Developing Countries", *European Research Studies Journal*, Vol. XXII, Issue 1, 112-127
- Bryson, J. R. & Daniels. P. W. (2007), "The Handbook of Services Industries", Edward Elgar Publishing Limited
- Dazhong, C. (2013), "The development of the service industry in the modern economy: mechanisms and implications for China", *China Finance and Economic Review*, <https://doi.org/10.1186/2196-5633-1-3>
- Eichengreen, B. & Gupta, P. (2009), "The Two Waves of Service Sector Growth", NBER Working Paper 14968, May 2009.
- Katuria, V. and Raj, S.N. (2009), "Is manufacturing an engine of growth in India? Analysis in the post nineties", *The UNU-WIDER/UNU-MERIT/UNIDO Workshop, Pathways to Industrialization in the 21st Century*.
- Szirmai, A. & Verspagan, B. (2015), "Manufacturing and economic growth in developing countries, 1950-2005", *Structural Change and Economic Dynamics*, Vol. 34, September 2015, 46- 59
- Thomas, T. (2009), "Why is Manufacturing Not the Engine of India's Economic Growth, Examining Trends, 1959-60-2008/9
- Im, K.S., Pesaran, M.H. & Shin, Y. (2003), Testing for Unit Roots in Heterogeneous Panels. *Journal of Econometrics*, 115, 53-74.
- Khorami, A. R., & Pierof, S. (2013), The role of agriculture in Iran's economic development, *Research Journal of Applied Sciences, Engineering and Technology*, 6(11): 1928-1939

- Kohansal, M. R., & Torabi, S. (2013), Agricultural impact on economic growth in Iran using Johansen approach cointegration, *International Journal of Agronomy and Plant Production*, 4(12): 3216-3221.
- Tiffin, R., & Irz, X., (2006), "Is agriculture the engine of growth?" *Agricultural Economics* 35: 79-89.
- Wilber, S. (2002), "Are Services Bad for Growth? Evidence from a panel of OECD economies", PhD Thesis, Georgetown University, Washington DC.
- <https://www.amar.org.ir/>